

ش سندلی (ش داوطلب): نام و نام خانوادگی: نام پدر:	نام واحد آموزشی: دبیرستان نمونه دولتی سلمان نام دبیر: هوش السادات نام درس: ادبیات فارسی ۳	نوبت امتحان: دی ماه پایه: دوازدهم رشته: انسانی کلاس: سال تحصیلی: ۱۳۹۹-۱۴۰۰	ساعت امتحان: صبح وقت امتحان: ۷۰ دقیقه تاریخ امتحان: ۹۹/۱۰/۱۵
--	---	---	--

صفحه اول

ردیف	سوالات	بارم
	قلمرو زبانی (۶/۵ نمره)	
۱	واژه‌های مشخص شده را معنا کنید: ۱- همه توحید تو گویم، همه از فضل تو پیویم. ۲- با خاک عجین آمد و از تاک عیان شد. ۳- وجه خدا اگر شودت منظر نظر. ۴- گویند که بطی در آب روشنایی ستاره می دید.	۱
۲	برای هر یک از موارد زیر یک معادل معنایی بیاورید. (کلمه ای از داخل متن کتاب) ۱- باد بسیار گرم و زیان آور: ۲- پرده ی نقاشی بر سقف مدور:	۰/۵
۳	در گروه کلمات زیر چند نادرستی املائی دیده می شود؟ تصحیح کنید. « سطور و چهارپا - ثواب و درست - ضماد و مرهم - محرم و آشنا - شیر ارغند - طرف چمن - خوان نعمت - عصاره ی تاک - شهد فایق - نخل باسق - صفوت آدمیان - اعراض کردن - مست و محتسب - خانه ی خمار - بیت الحزن - حیاط و ممات - مستور و پنهان - فرض راه - چریق آفتاب - طیلسان آبی - غایت القصوی - دولت مستعجل »	۱
۴	غلط های املائی را در ابیات و عبارات زیر مشخص کنید و صحیح آن ها را بنویسید: حکمش روان چو باد در اطراف بر و بهر مهرش نهان چو روح در اعضای انس و جان مرا نصیب غم آمد به شادی همه عالم چرا که از همه عالم محبت تو گزیدم صفای احورابی آن همه زیبایی ها که درونم را پراز خدا می کرد به این علم عددیین مصلحت اندیش آلود .	۰/۵
۵	هر یک از ضمیر های مشخص شده چه نقش دستوری دارند ؟ چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت: گفت: آگه نیستی کز سر درافتاد کلاه؟	۰/۵

۰/۵	با توجه به مصراع «گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم.» به پرسش های زیر جواب دهید. الف) نوع «را» در «والی را سرای» چیست؟ ب) نقش دستوری «آنجا» را بنویسید:	۶
۰/۲۵	در کدام بیت، «حذف فعل به قرینه ی» معنوی نیست؟ جهان خالی زد یو و دیومردم به حق دوستی جانا که باور دار سوگندم او سنگدل و تو سنگ بردل سرشتی به اندازه ی یکدگر	۷
۱	در عبارت: « پرواز بر فراز این دریا، انسان را غرق دریای تصورات تاریخی می کند. سواحل شرقی مدیترانه، از زیباترین نواحی عالم است. » الف) یک صفت پیشین مضاف الیه و یک مضاف الیه مضاف الیه بیابید و بنویسید. ب) نقش دستوری واژه های مشخص شده را بنویسید: غرق مدیترانه	۸
۰/۵	نقش دستوری واژه های مشخص شده را بنویسید رم ، پایتخت ایتالیا ، شهری است قدیمی پایتخت ایتالیا قدیمی	۹
۰/۷۵	در بیت: "تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر چهر دل بند" الف) جمله ی وابسته را بنویسید: ب) کدام کلمه، مفعول جمله ی دوم است؟ پ) نقش ضمیر "ت" در "نبیندت" چیست؟ آن را بنویسید:	۱۰
	قلمرو ادبی (۳/۵ نمره)	
۰/۷۵	تشبیهات را در بیت زیر مشخص کنید و بنویسید: دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی	۱۱
۱	در عبارت "دیوارهای قطور و باروهای دودخورده ی رم به زبان حال بازگو می کند که روزگاری سواحل رود فرات، خط از کرانه ی رود تیبر می خواندند." الف - چند مجاز به کار رفته است؟ ب - یک کنایه در عبارت بالا مشخص کنید و معنی حقیقی آن را بنویسید: پ - جمله اول بیانگر کدام آرایه ادبی است؟ نام آن را بنویسید:	۱۲

	الف	ب	
۱۳	الف - دود اگر بالا نشیند کسر شأن شعله نیست ب - گر برگ گل سرخ کنی پیرهنش را پ - زلف آشفته‌ی او موجب جمعیت ماست ت - ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی	جای چشم ابرو نگیرد، گرچه او بالاتر است از نازکی آزار رساند بدنش را چون چنین است بس آشفته ترش باید کرد نروم جز به همان ره که تو ام راه نمایی	اغراق متناقض نما اسلوب معادله ایهام مجاز
۱۴	در همه ی گزینه ها به <u>جز</u> گزینه ی آرایه ی «اسلوب معادله» به کار رفته است. (۱) رفتن از عالم پرشور به از آمدن است (۲) دشمن خانگی از خصم برونی بتر است (۳) روشن دلی نمانده در این باغ و بوستان (۴) غم مُردن نبود جانِ غم اندوخته را	غنچه دلتنگ به باغ آمد و خندان برخاست بیشتر شکوه ی یوسف ز برادر باشد با خود مگر چو آب روان گفت و گو کنیم نیست از برق، خطر مزرعه ی سوخته را	۰/۲۵
۱۵	کتاب تمهیدات نوشته و موضوع آن است.		۰/۵
	قلمرو فکری (۷ نمره)		
۱۶	مفهوم کَلّی هر یک از موارد زیر را در چند کلمه بنویسید. الف) عاکفان کعبه ی جلالش به تقصیر عبادت معترف که: "ما عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ" ب) تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهر دل بند		۰/۵
۱۷	منظور هر یک از قسمت های مشخص شده را بنویسید. الف) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد ب) با شیرسپهر بسته پیمان	هر که بی روزی است روزش دیر شد با اختر سعد کرده پیمان	۰/۵
۱۸	مفهوم بیت «در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست / با جان بودن به عشق در سامان نیست» در کدام بیت آمده است؟ (۱) گر از میدان شهوانی سوی ایوان عشق آیی (۲) اگر صد قرن از این عالم بیویی سوی آن بالا (۳) اگر در باغ عشق آیی همه فرآش دل یابی (۴) اگر صد بار در روزی شهید راه حق گردی	چو کیوان در زمان، خود را به هفتم آسمان بینی چو دیگر سالکان خود را هم اندر نردبان بینی وگر در راه دین آیی همه نقّاش جان بینی هم از گبران یکی باشی چو خود را در میان بینی	۰/۲۵
۱۹	در هر یک از جمله های زیر کنایه ها را بیابید و مفهوم آن ها را بنویسید. در این دو شهر تنها یک سرپری زدیم. از اول تا آخر آوازش ده ثانیه طول می کشد. دل توی دلمان نیست.		۰/۵
۲۰	منظور از «امام راستین» و «شیعه گمنام» در متن زیر از درس «کوبر» چیست؟ « ناله های گریه آلود آن روح دردمند و تنها را می شنوم. ناله های گریه آلود آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعه گمنام و غریبش، در کنار آن مدینه پلید سر در حلقوم چاه می برد و می گریست.»		۰/۵

۰/۵	مفهوم عبارت زیر چیست و یادآور کدام ضرب المثل است؟	۲۱
	از بیم عقرب جرّارۀ دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیۀ حکومت سرهنگ ها، پناه ببرد.	
۱	<p>با توجه به ابیات زیر به پرسش ها پاسخ دهید.</p> <p>"در دفتر زمانه فتد نامش از قلم در پیشگاه اهل خرد نیست محترم با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است الف) "افتادن نام از قلم" کنایه از چیست؟ ب) به نظر شاعر چه کسانی شایسته احترامند؟ پ) مفهوم کلی بیت سوم را بنویسید:</p> <p>هر ملتّی که مردم صاحب قلم نداشت هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت ما را فراغتی است که جمشیدِ جَم نداشت"</p>	۲۲
۰/۲۵	<p>مفهوم کدام گزینه با مفهوم بیت زیر ارتباط ندارد؟</p> <p>«محرم این هوش جز بی هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست»</p> <p>۱) حدیث عشق نداند کسی که در همه عمر ۲) آتش نفسان قیمت میخانه شناسند ۳) مدام چون ز می عشق مست و مدهوشی ۴) قصه ی سوز دل پروانه را از شمع پرس</p> <p>به سر نکوفته باشد در سرایی را افسرده دلان را به خرابات چه کار است؟ بریز باده و درد سر خمّار مکش شرح آن آتش ندارد جز زبانی سوخته</p>	۲۳
۰/۵	معنی ومفهوم ابیات و عبارت های زیر را به نثر روان بنویسید.	۲۴
۰/۵	الف) نتوان شبیه تو گفتن که تو در وهم نیایی.	
۰/۵	ب) اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.	
۰/۷۵	پ) هر کسی از ظنّ خود شد یار من.	
۰/۷۵	ت) خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد	۲۴
۰/۷۵	زاشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است	
۰/۵	ث) عشق آتش است، هر جا که باشد، جز او رخت، دیگری نهد.	
۰/۷۵	ج) آیین طریق از نفس پیر مغان یافت	
۰/۷۵	آن خضر که فرخنده پی اش نام نهادند	

در اندرون من خسته دل ندانم کیست که من خموشم و او در فغان و در غوغاست